

عَيَّنَ الصَّحِيحُ عَنْ قِرَاءَةِ الْكَلِمَاتِ (حَسَبِ الْمَعْنَى):

«يَسْتَعْمِدُ الْمَزَارِعُونَ شَجَرَةَ النَّفْطِ كَسِيَاجٍ حَوْلَ مَزَارِعِهِمْ لِحِمَايَةِ مَحَاصِيلِهِمْ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ!»:

(۱) يَسْتَعْمِدُ (۲) الْمَزَارِعُونَ (۳) مَزَارِعُ (۴) مَحَاصِيلُ

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی عبارت سؤال: کشاورزان برای حمایت محصولاتشان از (خطر) حیوانات، درخت نفت را به عنوان پرچینی دور مزرعه‌هایشان به کار می‌گیرند. بررسی گزینه‌ها:

(۱) يَسْتَعْمِدُ (فعل مضارع معلوم از باب «استفعال»)

(۲) الْمَزَارِعُونَ ← الْمَزَارِعُونَ (اسم فاعل ، کشاورزان)

(۳) مَزَارِعُ ← مَزَارِعُ (اسم مکان ، مزرعه‌ها)

(۴) مَحَاصِيلُ ← مَحَاصِيلُ (اسم مفعول ، جمع «مَحْصُول» محصولات)

عَيْنَ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- (۱) مُدَّ رَجُلٌ عَلَى قَدْرِ كَسَائِكَ! : حساب خود نه کم گیر و نه افزون / منه پای از گلیم خویش بیرون
- (۲) مَنْ لَزِمَ الْمَنَامَ رَأَى الْأَحْلَامَ! : به جان کندن آید برون زر ز سنگ!
- (۳) مَنْ يَمْدَحُ الْعُرُوسَ إِلَّا أَهْلَهَا! : زنگی ار چه سیه فام بود / پیش مادر مهی تمام بود
- (۴) الشَّاهِدُ يَرِي مَا لَا يَرِي الْغَائِبُ! : از دل برود هر آن که از دیده برفت!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

- (۱) پایت را به اندازه‌ی لباست (گلیمت) دراز کن. (واضح است که بیت فارسی هم به مفهومی مشابه اشاره کرده است.)
- (۲) هر کس بخواهد (تلاش نکند)، (صرفاً) رویا می‌بیند. (عبارت فارسی هم به مفهوم تلاش برای رسیدن به هدف اشاره کرده است.)
- (۳) عروس را چه کسی جز خانواده‌اش ستایش می‌کند؟ (عبارت فارسی هم بیان کرده که خانواده و نزدیکان خوبی‌های آدم را بسیار می‌بینند و از او دفاع می‌کنند هر چند از واقعیت دور باشد.)
- (۴) بیننده چیزی را می‌بیند که غایب نمی‌بیند. (عبارت فارسی بیان کرده که هر کسی را مدتی نبینیم، به مرور محبتش از دلمان می‌رود، در صورتی که عبارت عربی مفهوم متفاوتی را بیان کرده است.)

«إذا أراد الله هلاك النملة أنبت لها جناحين!» عَيْنِ الْأَنْسَبِ لِلْمَفْهُومِ:

(۱) (و عسى أن تکرهوا شيئاً و هو خیر لکم)

(۲) کفن بر تن تند هر کرم پيله / برآرد آتش از خود هر چناری

(۳) لو کان في البومة خیر ما ترکها الصياد!

(۴) آن کس که توانگرت نمی گرداند / او مصلحت تو از تو بهتر داند

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی عبارت سؤال: اگر خداوند نابودی مورچه را بخواهد، به او دو بال می‌دهد. بررسی گزینه‌ها:

(۱) چه بسا چیزی را ناپسند بدارید در حالی که برایتان خوب است (مفهوم مقابل عبارت سؤال را بیان کرده است).

(۲) مفهوم «از ماست که بر ماست» را بیان کرده است.

(۳) اگر در جغد خیری بود، شکارچی آن را رها نمی‌کرد (برای بیان چیزی که هیچ خیر و فایده‌ای ندارد، به کار می‌رود).

(۴) همانند عبارت سؤال به این موضوع اشاره کرده که گاهی چیزی را خوب می‌پنداریم ولی در واقع به ضررمان است.

(۱) بدأ الطلاب يتهامون في نهاية حصّة الكيمياء!: دانش‌آموزان در پایان زنگ شیمی، شروع به پیچ‌پیچ کردند!

(۲) لا بركة في طعام لم يذكر اسم الله عليه!: در غذایی که اسم خداوند بر آن برده نشده، برکتی نمی‌یابی!

(۳) إني أعوذ برّبي من أعمال تسبّب العجب!: من از کارهایی که سبب خودبزرگ‌بینی می‌شوند، به پروردگارم پناه می‌برم!

(۴) أتقى الناس من يقول الحقّ و إن كان عليه!: پرهیزکارترین مردم کسی است که حق را بگوید اگرچه به ضررش باشد!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی صحیح عبارت: در غذایی که اسم خداوند بر آن برده نشده، هیچ برکتی نیست (وجود ندارد).

در ترجمه «لا»ی نفی جنس از ساختار «هیچ... نیست (وجود ندارد)» استفاده می‌کنیم.

«إِنَّمَا أَبْوَابُ التَّقَدُّمِ تَفْتَحُ عَلَى مَنْ لَا يَيْأَسُ عِنْدَ مُوَاجَهَةِ الظُّرُوفِ القَاسِيَةِ!»:

(۱) درهای پیشرفت تنها به روی کسی گشوده شده که در مواجهه با شرایط سخت، احساس ناامیدی نکرده است!
(۲) بی‌گمان پیشرفت فقط به روی کسی گشوده می‌شود که اگر با شرایط دشوار روبه‌رو شود، احساس ناامیدی نکند!

(۳) فقط کسی می‌تواند درهای پیشرفت را به روی خودش بگشاید که هنگام مواجهه با شرایط سخت ناامید نشود!
(۴) درهای پیشرفت تنها به روی کسی گشوده می‌شود که هنگام رویارویی با شرایط دشوار ناامید نگردد!
گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی کلمات مهم: إِنَّمَا: فقط، تنها / تَفْتَحُ: گشوده می‌شود / لَا يَيْأَسُ: ناامید نشود (نگردد). اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۱) گشوده شده (← گشوده می‌شود ، «تَفْتَحُ» مضارع مجهول است.) ، در (← هنگام) ، احساس ناامیدی نکرده است (← ناامید نشود ، اوَّلًا «احساس» اضافی است ، ثانیاً «لا يَيْأَسُ» مضارع است.)
(۲) «بی‌گمان» اضافی است ، «اگر» اضافی است ، روبه‌رو شود (← هنگام رویارویی) ، احساس ناامیدی نکند (← ناامید نشود)

(۳) «می‌تواند» اضافی است ، به روی خودش بگشاید (← به روی کسی گشوده می‌شود)

«إذا كانت لك أفكار سلبية فلا يرافقتك في الحياة إلا التشاؤم!»:

(۱) هرگاه افکاری منفی داشته باشی، در زندگی فقط بدبینی تو را همراهی می‌کند!

(۲) اگر افکار منفی داشته‌ی، تو را همراه نمی‌کرد در زندگی مگر بدبینی!

(۳) چنانچه در زندگی افکارت منفی باشد، جز بدبینی همراهی‌ات نمی‌کند!

(۴) اگر زمانی افکاری منفی داشته باشی، در زندگی‌ات تنها بدبینی همراهت خواهد بود!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی کلمات مهم: إذا كانت لك: اگر (هرگاه) داشته باشی / لا يرافقتك ... إلا: تو را همراهی نمی‌کند مگر (جز)، فقط ... تو را همراهی می‌کند. اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۲) افکار منفی (← افکاری منفی) «أفكار سلبية» ترکیب وصفی نکره است) ، داشتی (← داشته باشی) فعل‌های

ماضی بعد از ادات شرط غالباً به صورت مضارع ترجمه می‌شوند.) ، همراهی نمی‌کرد (← همراهی نمی‌کند) «لا

يرافقت» مضارع منفی است.)

(۳) «در زندگی» در جای نامناسبی از ترجمه آمده است ، افکارت منفی باشد (← افکاری منفی داشته باشی)

(۴) اگر زمانی (← اگر، هرگاه) ، زندگی‌ات (← زندگی) ، همراهت خواهد بود (← تو را همراهی می‌کند)

(و جادلهم بالتی هی احسن ان ربک هو اعلم بمن ضل عن سبيله):

(۱) با ایشان با روشی که نیکوست مباحثه کن ، بی‌گمان پروردگارت به حال کسی که از راهش گمراه کرده، داناتر است!

(۲) با آنها با روشی نیکو مناظره نما ، همانا پروردگارت آگاه است به حال کسی که از راهش گمراه شده است!

(۳) با روشی که نیکوتر است با آنها مباحثه کن ، بی‌شک پروردگر تو به حال کسی که از راه خود گمراه شده، داناتر می‌باشد!

(۴) با ایشان مناظره نما با روشی که نیکوتر است ، بی‌تردید پروردگار آگاه‌تر است به حال کسی که از راهش گمراه می‌شود!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی کلمات مهم: احسن: نیکوتر / اعلم: داناتر / ضلّ: گمراه شده است
اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۱) نیکوست (← نیکوتر است ، «احسن» اسم تفضیل است.) ، گمراه کرده (← گمراه شده ، «ضلّ» فعل لازم است.)

(۲) روشی نیکو (← روشی که نیکوتر است) ، آگاه (← داناتر ، «اعلم» اسم تفضیل است و معنای «داناتر» می‌دهد.)

(۴) پروردگار (← پروردگارت) ، آگاه‌تر (← داناتر) ، گمراه می‌شود (← گمراه شده است ، «ضلّ» فعل ماضی است.)

(اقترب للناس حسابهم و هم في غفلة معرضون):

- ۱) به مردم حسابشان نزدیک شده است در حالی که ایشان در غفلت روی گردانند!
- ۲) حساب مردم به آنها نزدیک می‌شود حال آن که آنها با غفلت روی گردانده‌اند!
- ۳) به مردم حسابشان در حالی نزدیک می‌شود که ایشان در غفلت و روی گردانند!
- ۴) روز حساب مردم به آنها نزدیک شده در حالی که در غفلت روی گردانده‌اند!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی کلمات مهم: اقترَب: نزدیک شده است / حسابهم: حسابشان / و هم في غفلة معرضون: در حالی که ایشان (آنها) در غفلت روی گردانند
اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

۲) حساب مردم (← حسابشان) ، به آنها (← به مردم) ، نزدیک می‌شود (← نزدیک شده است) ، «اقترب» فعل ماضی است. ، با (← در) ، روی گردانده‌اند (← روی گردانند) ، «معرضون» اسم است.

۳) «در حالی که» در جای نادرستی از ترجمه آمده است، نزدیک می‌شود (← نزدیک شده است) ، «و» اضافی است.

۴) «روز» اضافی است، حساب مردم (← به مردم حسابشان) ، روی گردانده‌اند (← روی گردانند)

عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاعَاتِ لِبَيَانِ نواعِ الفَعْلِ:

(١) واجهت لاطالبة الناجحة من معلمتها!: (حَمداً)

(٢) جاهد المقاتل في سبيل الله!: (مُجاهدةً)

(٣) عليك أن تستمع إلى القرآن!: (خاشعاً)

(٤) يحاسب الإنسان يوم القيامة دقيقة! (مُحاسبةً)

گزینه ٤ پاسخ صحیح است. در این گزینه، «مُحاسبةً» می‌تواند به عنوان مفعول مطلق نوعی در جای خالی قرار گیرد، زیرا مصدر است و بعد از آن هم صفت قرار گرفته است. (انسان در روز قیامت، دقیق حسابرسی می‌شود!)
تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «١»: «حَمداً» مفعول است.

گزینه «٢»: «مُجاهدةً» مفعول مطلق تأکیدی است.

گزینه «٣»: «خاشعاً» حال است.

عَيْنَ المفعول المطلق للتأكيد:

(١) أخذت العجوزة حقاً كأن قد سلبت منها قبل أعوام!

(٢) في بداية قرأ القارئ آيات القرآن قراءةً أعجبت الحُضار جميعهم!

(٣) أدبت المُدرسة طالبتها المتكاسلة تأديباً فأصلحت أعمالها!

(٤) اكرمنا أستاذنا في درس اللّغة الإنجليزينة إكراماً يليقُ به!

گزینه ٣ پاسخ صحیح است. «تأديباً» مصدری منصوب از فعل جمله (أدبت) است و از آن جایی که بعد از آن، صفت یا مضاف‌الیه نیامده مفعول مطلق تأکیدی به شمار می آید.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «١»: «حمداً» فعول است.

گزینه «٢»: «مُجاهدةً» مفعول مطلق تأکیدی است.

گزینه «٣»: «خاشعاً» حال است.

عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ:

(۱) يَجْتَهِدُ التَّلْمِيذُ فِي دُرُوسِهِ اجْتِهَادَ الْأَمْلِيْنَ!

(۲) أَخْبَرَنَا الْقِرَاءُ عَنْ ظَاهِرَةِ ظَلَمَةِ الْبِحَارِ اخْبَاراً!

(۳) يَطْمئنُ قَلْبِي بِذِكْرِ اللَّهِ اطمئنناً كاملاً!

(۴) الْقَوَاتُ الْمُسْلِمُونَ ضَرَبُوا الْعَدُوَّ مُهَاجِمًا!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در این گزینه «مُهَاجِمًا» حال است و مفعول مطلق در عبارت داده شده به کار نرفته است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «اجْتِهَادُ» مفعول مطلق نوعی و «الْأَمْلِيْنَ» مضاف الیه است.

گزینه «۲»: «اخْبَاراً» مفعول مطلق تأکیدی است.

گزینه «۳»: «اطْمئنناً» مفعول مطلق نوعی و «كاملاً» صفت است.

عَيْنِ الخَطِّا فِي العَمَلِيَّاتِ الحِسَابِيَّةِ التَّالِيَةِ:

(١) سبعة عشر زائد أربعة و ثلاثين يساوي تسعين ناقص سبعة و ثلاثين!

(٢) خمسة و سبعون زائد خمسة و عشرين يساوي ثلاثة و سبعين زائد سبعة و عشرين!

(٣) اثنان و ثمانون تقسيم على اثنين يساوي تسعة و ثلاثين زائد اثنين!

(٤) أحد عشر في ستة يساوي واحداً و ثمانين ناقص خمسة عشر!

گزینه ١ پاسخ صحیح است.

$$١٧ + ٣٤ = (٥١) \rightarrow ٩٠ - ٣٧ = (٥٣)$$

دو طرف مساوی در این گزینه برابر نیستند.

تشریح گزینه‌های دیگر

$$\text{گزینه «٢»}: ٧٥ + ٢٥ = (١٠٠) \rightarrow ٧٣ + ٢٧ = (١٠٠)$$

$$\text{گزینه «٣»}: ٨٢ \div ٢ = (٤١) \rightarrow ٣٩ + ٢ = (٤١)$$

$$\text{گزینه «٤»}: ١١ \times ٦ = (٦٦) \rightarrow ٨١ - ٥١ = (٦٦)$$

عَيَّنَ الجملة الفعلية لِيَسَ فيها الفاعل:

(١) تَكَلَّفْنَا معلمتنا في الإمتحانات الواجبات الصعبة!

(٢) الطَّمَعُ الشَّدِيدُ يُوقِعُ الإنسانَ في المَهَالِكِ!

(٣) تَغَسَّلُ مَلَابِسُ الرِّيَاضَةِ قَبْلَ بِدَايَةِ المُسَابَقَاتِ!

(٤) يُسَاعِدُنَا اللهُ فِي جميعِ الأحوالِ!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در گزینه «۲»، «تَغَسَّلُ» فعل مجهول است که فاعل ندارد. (ترجمه عبارت: لباس‌های

ورزشی قبل شروع مسابقات شسته می‌شود!)

عَيْنَ الْخَطَا الْوَاقِعِ:

(۱) الدَّلْفِينُ حَيَوَانٌ يَسْتَطِيعُ أَنْ يُرْشِدَنَا إِلَى مَكَانٍ غَرِقَ سَفِينَةٌ!

(۲) الحافلة اكبرُ مِنْ سَيَّارَةِ الأجرةِ وَ تنقل عدداً أَقَلَّ مِنْ الرِّكَّابِ!

(۳) الموسوعةُ مُعْجَمٌ كَبِيرٌ يَجْمَعُ كَثِيراً مِنَ العُلُومِ!

(۴) يُصَنَعُ الخُبْزُ مِنَ العَجِينِ الَّذِي يُهَيِّئُهُ الخَبَّازُ!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. معنی گزینه «۲»: اتوبوس بزرگتر از تاکسی است و تعداد کمتری از سرنشینان را جابه‌جا می‌کند!

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: دلفین حیوانی است که می‌تواند ما را به جای غرق شدن یک کشتی راهنمایی کند!

گزینه «۳»: دانش‌نامه یک لغت‌نامه بزرگ است که بسیاری از دانش‌ها را جمع‌آوری می‌کند!

گزینه «۴»: نان از خمیری که نانوا آن را آماده می‌کند، درست می‌شود!

عَيْنِ الْخَطَا حَسْبَ الْحَوَارَاتِ:

(۱) يَا أُخْتِي، افْتَحِي حَقِيْبَتَكَ رَجَاءً! / تَفْضَّلْ، حَقِيْبَتِي مَفْتُوحَةً لِلتَّفْتِيْشِ!

(۲) مَا هَذِهِ الْأَدْوِيَّةُ؟! / حُبُوْبٌ مُهْدِنَةٌ، عِنْدِي صُدَاعٌ!

(۳) كَمْ عَدَدَ الْمُرَافِقِيْنَ؟! / سِتَّةٌ، وَالِدِي وَ أُخْتَايَ وَ أَخْوَايَ!

(۴) هَلْ عِنْدَكُمْ بِطَاقَاتِ الدَّخُوْلِ؟! / نَعَمْ، كُلٌّ وَاحِدٌ مِنَّا بِبَطَاقَتِهِ بِيَدِهِ!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در گزینه «۳» تعداد همراهان خواسته شده است که در پاسخ به ۶ نفر اشاره شده است در صورتی که ۵ نفر هستند.

«وَالِدِي»: پدرم / «أُخْتَايَ»: دو خواهرم / «أَخَايَ»: دو برادرم

نکته مهم درسی

اگر به کلمات مثنی یا جمع مذکر سالم، ضمیر اضافه شود (مانند ضمیر اول شخص «ی») حتماً حرف (نون) از آخر آنها حذف می‌شود.

والدان + ی: والدای / أختان + ی: أختای / أخوان + ی: أخوای

ای کلمه لا تَناسِبُ التَّوضِيحَاتِ:

(۱) الَّذِي لَا يَنْفَعُ الْآخِرِينَ بَلْ يُسَبِّبُ خُسْرَانَهُمْ! الضَّائِرُ

(۲) مَجْمُوعَةٌ كَبِيرَةٌ مِنَ الْجُنُودِ لِلدِّفَاعِ عَنِ الْوَطَنِ! الْجَيْشُ

(۳) هُوَ قَدَمٌ أَثْرٌ يَبْقَى مِنَ الرَّجُلِ عَلَى مَوْضِعِ! الْوَطَاءُ

(۴) الْمَكَانُ الَّذِي يَقَعُ بَيْنَ الْجَبَلَيْنِ الْمُرْتَفِعَيْنِ! الْمُسْتَنْقَعُ

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. با توجه به ترجمه عبارت (جایی که میان دو کوه بلند قرار دارد! مرداب) درمی یابیم که تعریف به کار رفته برای مرداب، صحیح نیست.

تشریح گزینه های دیگر

گزینه «۱»: کسی که به دیگران سود نمی رساند بلکه باعث زیانشان می شود! ضرر رساننده

گزینه «۲»: مجموعه ای بزرگ از سربازان برای فاع از کشور! ارتش

گزینه «۳»: قدم یا اثری که از پا در جایی باقی می ماند! گام، جای پا

عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْمَفْهُومِ:

- (۱) عِنْدَ الشَّدَائِدِ يُعَرَفُ الْإِخْوَانُ!/: آیین برادری و شرط یاری / آن نیست که عیب من، هنر پنداری
- (۲) مُدَّ رِجْلَكَ عَلَي قَدْرِ كِسَائِكَ!/: حافظ نه حد ماست چنین لافها زدن / پای از گلیم خویش چرا بیشتر کشی
- (۳) إِنَّ الزَّرَاعَ يَنْبُتُ فِي السَّهْلِ وَ لَا يَنْبُتُ فِي الصَّفَا!/: از مکافات عمل غافل مشو / گندم از گندم بروید جو ز جو
- (۴) الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ!/: هر که بالاترست منزل او / به تواضع رغوب تر دل او

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. با توجه به ترجمه ضرب المثل (پایت را اندازه جامهات دراز کن) درمی یابیم که مفهوم آن و بیت مقابلش این است که باید حد و مرزمان را بدانیم.

تشریح گزینه های دیگر

گزینه «۱»: مفهوم ضرب المثل: شناخته شدن دوست در زمان سختی / مفهوم بیت: باید اشکالات دوست را به او گوشزد کنیم.

گزینه «۳»: مفهوم حدیث: هر آفریده ای ذات مخصوص به خود دارد. / مفهوم بیت: هر عملی انجام بدهیم نتیجه آن را می بینیم.

گزینه «۴»: مفهوم حدیث: فروتن بودن باعث ماندگاری حکمت است. / مفهوم بیت: کسی که جایگاه بالاتری دارد متواضع تر است.

عَيْنَ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ: «إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ نَبِيَّ بِمُداراةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَ نَبِيَّ بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ!»

(۱) رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ مُدَارَاةُ النَّاسِ فِي غَيْرِ تَرْكِ حَقٍّ!

(۲) ای سلیمان در میان زاغ و باز / حِلْمِ حَقِّ شُو بَا هَمِه مَرغانِ بَساز

(۳) سازگاری پیشه کن با مردم ناسازگار / تا شود یوسف ترا خاری که در پیراهن است

(۴) مَا تَقَدَّمَ الْمُؤْمِنُ إِلَى اللَّهِ بِعَمَلِ الْفَرَائِضِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَنْ يَسْمَعَ النَّاسَ بِخُلُقِهِ!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم همه گزینه‌ها مانند صورت سوال در مورد سازگاری با مردم است، اما حدیث گزینه

«۴» (مؤمن بعد از واجبات، نزد خداوند کاری محبوب‌تر از این نیابد که مردم از اخلاق او در راحتی و آسایش

باشند!)، در مورد ارزشمندی داشتن اخلاق خوب با مردم، نزد خداوند است.

(۱) الْعَمَلَاءُ يَحَاوِلُونَ لِإِجْعَادِ التَّفْرِقَةِ وَ الْعُدْوَانِ وَ الْخِلَافِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ! : مزدوران برای ایجاد پراکندگی و دشمنی و اختلاف بین مسلمانان تلاش می کنند!

(۲) اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي الْحَجِّ مِنْ مَظَاهِرِ تَجَلِّيِ الْإِتْحَادِ الْإِسْلَامِيِّ فِي الْعَالَمِ! : گردهمایی مسلمانان در حج از نمادهای تجلی یکپارچگی اسلامی در جهان است!

(۳) يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى التَّعَايُشِ السَّلْمِيِّ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْإِحْتِرَامِ لِلْأَدْيَانِ الْإِلَهِيَّةِ! : قرآن بر همزیستی میان مسلمانان و احترام به ادیان الهی تأکید نموده است!

(۴) إِنَّ شُعُوبًا كَثِيرَةً فِي الْبِلَادِ الْإِسْلَامِيَّةِ تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ الْوَانِيهَا! : ملت‌های فراوانی در کشورهای اسلامی در زبان‌ها و رنگ‌هایشان (با هم) تفاوت دارند!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مورد اشتباه در ترجمه: «يُؤَكِّدُ» تأکید می کند (فعل مضارع) / «التَّعَايُشِ السَّلْمِيِّ»: همزیستی مسالمت‌آمیز

- (۱) كان الشعراء يُنشِدونَ أبياتاً ممزوجةً بالعربية و الفارسيّة! شاعران بیت‌هایی آمیخته به عربی و فارسی می‌سرودند!
- (۲) مَنْ جَرَّبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ! هر کس آزموده را بیازماید، پشیمانی‌ها بر او فرود می‌آید!
- (۳) دموع أعيني تدلُّ على أحزانٍ كثيرةٍ في قلبي! اشک‌های چشمم بر اندوه‌های زیادی در قلبم دلالت می‌کند!
- (۴) قد تفتَّشُ يَنبوعَ الحياةِ المُضِيِّ في الظُّلُمات! گاهی چشمه روشن زندگی را تاریکی‌ها جست‌وجو می‌شود!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۲»: هر کس که آزموده را آزمود، پشیمانی بر او فرود آمد!

گزینه «۳»: اشک‌های چشمانم بر اندوه‌های زیادی در قلبم دلالت می‌کند!

گزینه «۴»: گاهی چشمه روشن زندگی را در تاریکی‌ها جست‌وجو می‌کند! (و یا جست‌وجو می‌کنی)

«الغَوَاصُّ الَّذِي ذَهَبَ إِلَى أَعْمَاقِ الْمَحِيْطِ اسْتَطَاعَ التَّقَاطُ صَوْرَةً فِي ضَوْءِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ»:

(۱) غواصی که به اعماق اقیانوس رفت توانست عکسی را در نور آن ماهی‌ها بگیرد!

(۲) غواص کسی است که به اعماق اقیانوس رفت و توانست عکسی را در نور آن ماهی‌ها بگیرد!

(۳) غواصی که به اعماق اقیانوس رفت می‌تواند عکس‌هایی را در نور این ماهی‌ها بگیرد!

(۴) غواص کسی است که به اعماق اقیانوس می‌رود و می‌تواند عکس‌هایی را در نور آن ماهی‌ها بگیرد!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «الغواص الذي»: غواصی که / «ذَهَبَ»: رفت / «إِلَى أَعْمَاقِ»: به اعماق / «الْمَحِيْطِ»: اقیانوس

/ «اسْتَطَاعَ»: توانست (فعل ماضی) / «التَّقَاطُ صَوْرَةً»: گرفتن یک عکس / «فِي ضَوْءِ»: در نور / «تِلْكَ»: آن / «الْأَسْمَاكِ»:

ماهی‌ها

«ان استَغْفَرَ التَّائِبُ مِنْ ذُنُوبِهِ عِنْدَ اللَّهِ اسْتَغْفَرَ الْمُؤْمِنِينَ يَقْبَلُ اللَّهُ تَوْبَتَهُ!»:

- (۱) ارگ کسی هم چون مؤمنان، نزد خدا آمرزش بطلبد، خداوند از گناهان او می‌گذرد و توبه‌اش را می‌پذیرد!
- (۲) هر کس هم چون مؤمنان، نزد خدا از گناهانش توبه کرد، بی‌گمان خداوند توبه او را پذیرفت!
- (۳) اگر توبه‌کننده، از گناهانش نزد خدا مانند مؤمنان آمرزش بطلبد، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد!
- (۴) کسی که مانند مؤمنان، از گناهش نزد خدا استغفار کند، بی‌گمان خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «ان»: اگر / «استَغْفَرَ ... استَغْفَرَ الْمُؤْمِنِينَ»: مانند مؤمنان آمرزش بطلبد («استغفار» مفعول مطلق نوعی است) / «التَّائِبُ»: توبه کننده / «مِنْ ذُنُوبِهِ»: از گناهانش / «عِنْدَ اللَّهِ»: نزد خدا / «يَقْبَلُ اللَّهُ»: خداوند می‌پذیرد / «تَوْبَتَهُ»: توبه‌اش را

نکته مهم درسی

اگر فعل شرط و جواب شرط ماضی باشند، می‌توانیم اولی را به صورت مضارع التزامی و دومی را به صورت مضارع اخباری ترجمه کنیم.

«مَنْ تَصَبَّ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ!»:

(۱) کسی که خودش را برای مردم پیشوا قرار داد، باید پیش از آموزش دیگری خودش را آموزش می‌داد!

(۲) هر کس خودش را برای مردم پیشوا قرار دهد، باید پیش از آموزش دیگری خودش را شروع کند!

(۳) هر کس پیشوای مردم است، باید پیش از یاد دادن به دیگری به آموزش خود پردازد!

(۴) کسی که خودش را برای مردم پیشوا قرار داد، پیش از آموزش دیگری خودش را شروع کرد!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «مَنْ»: هر کس / «تَصَبَّ»: قرار دهد / «نَفْسَهُ»: خودش را / «لِلنَّاسِ»: برای مردم / «إِمَامًا»:

پیشوا / «لِيَبْدَأْ»: بای شروع کند / «تَعْلِيمِ»: آموزش / «قَبْلَ»: پیش از / «غَيْرِهِ»: دیگری

عَيَّنَ الْخَطَأَ فِي اسْتِعْمَالِ الْأَفْعَالِ الْمَعْلُومَةِ وَ الْمَجْهُولَةِ:

(١) إِنَّ الطَّالِبَاتِ شَجَعْنَ بِسَبَبِ تَقَدُّمِهِنَّ فِي الْإِخْتِيَارَاتِ!

(٢) فِي ذَلِكَ اللَّيْلِ الْمَظْلَمِ مَا عُرِفَتْ جَدَى مِنْ بَعِيدٍ!

(٣) فِي الْبَيْتِ ضَرَبْنَا الْإِخْوَةَ لِأَنَّآ تَكَاسَلْنَا فِي أَعْمَالِنَا!

(٤) نَحْنُ لَا نُحِبُّ أَنْ يُؤَكَّلَ لِحَمِّ أَخِينَا مَيْتاً فَلَا نَغْتَابُ!

گزینه ٢ پاسخ صحیح است. در عبارت گزینه «٢» بین فعل مجهول «ما عُرِفَتْ» و «جدی» مطابقت در جنسیت برقرار

نیست و شکل صحیح فعل مجهول در این گزینه می‌بایست به صورت «ما عُرِفَ: شناخته نشد» باشد.

عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ مَصْدَرٌ مِنْ «مَفَاعَلَةٌ»

(۱) مجالسة الحكماء حياة العقول و شفاء النفوس!

(۲) ذَهَبَتْ أختي إلى مشاورة تُساعدها في درسيها!

(۳) مشاركة المرأة في الحياة العامّة هي مشروع اقليمي!

(۴) المكاشفة القلبيّة هي سلوكٌ اختارها أولياء الله!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. درگزینه «۲»: «مشاورة» مصدر باب مفاعلة نیست بلکه اسم فاعل مؤنث است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: مجالسة: مصدر باب مفاعلة به معنی هم‌نشینی.

گزینه «۳»: مشاركة: مصدر باب مفاعلة به معنی مشارکت.

گزینه «۴»: مصدر باب مفاعلة به معنی آشکارسازی.